



احضار بارزانی به محکمه بغداد

طرح‌های پیشنهادی در کنگره نظرات دولت آمریکا
در باره دائمی کردن محدودیت‌های هسته‌ای و اعمال محدودیت‌های موشکی
علیه ایران را تأمین می‌کند

کنگره پای ترامپ



تئیه‌های امروز

درباره خودباختگان داخلی و نقش فرانسه
در ایجاد موج جدید ایران‌هراسی

عشق یکطرفه



گزارش «وطن امروز» از مراسم بی حال
روز صادرات

تشویق واردات تنبیه صادرات

وزیر صنعت: رفتار دولت به گونه‌ای نباشد که
تشویق واردات و تنبیه صادرات تلقی شود!

از سوی رئیس مرکز آمار ایران صورت گرفت

تکذیب آمار اشتغال جهانگیری

گزارش «وطن امروز» از تلفات در پرداخت وجوه
سپرده‌گذاران موسسات اعتباری مشکل‌دار

حساب‌های مردم را زخمی کردند!

روزنه

صرفاً برای تخلیه عاطفه؟!

زینب محبوبی: اینکه ترامپ در یک مصاحبه،
«خلیج فارس» را «خلیج عربی» بخواند و خود
را در مواجهه با هجمه احساسی مردم ایران ببیند،
قطعاً نه برای ترامپ عجیب است نه برای ما!

ما مردمی هستیم که هر از گاهی نسبت به
برخی اتفاقات اینگونه واکنش نشان می‌دهیم.
حالا فرضی نمی‌کند مسأله سیاسی باشد،
اجتماعی باشد، ورزشی باشد یا حتی نمایش
کمدی خودکشی ناشیانه دختری که بخت خود
را در دنیای مجازی جست‌وجو می‌کند! مهم این
است که موضوعی بیاییم برای تخلیه خشم‌های
فروخورده و همراهی و سیزژی همگانی در این
تخلیه عواطف!

و جالب‌تر اینکه نوع عکس‌العمل‌ها نسبت به
وقایع مختلف یک‌جور است. یعنی مثلاً همان
کامنتی را زیر پست ترامپ می‌گذاریم که یک
ماه پیش در عکس‌العمل به از دواج مجدد بهاره
رهنما گذاشتیم و باز همان کامنت را ۲ ماه پیش
زیر پست‌های مربوط به قتل آتنا گذاشتیم، یا ۵
ماه پیش زیر پست کاندیدای رقیب در انتخابات
ریاست جمهوری گذاشتیم، یا ۲ سال پیش در
صفحه اینستاگرام دختر بنیوا!

و شما لحظه‌ای گمان نکنید این حوادث
تأثیری در نگرش و عملکرد کسی دارد و
مثلاً باعث عبرت گرفتن خانواده‌ها نسبت به
مراقبت از فرزندان‌شان شده است! یا از این
به بعد دختران جوان نسبت به روابط‌شان
دقیق‌تر می‌شوند! یا حتی ملتی نسبت به حفظ
استقلال‌شان متحدتر و عملگراتر!

بلکه کل ماجرا به همین فحاشی‌ها و دست
بر پشت دست زدن‌ها خاتمه می‌یابد و دوباره از
فرزاد زندگی روال عادی خود را دارد.
دختری که روسری به گل‌پوش گره زده به
هدفش می‌رسد و شهرت پیدا می‌کند، حتی
به قیمت حراج شخصیت! کاندیداهای برنده و
بازنده به روال قبل، روزگار می‌گذرانند و حتی
کاندیدای برنده لحظه‌ای به پشت سر نگاه
نمی‌کنند که مبادا یادش بیاید چه وعده‌هایی
داده و به چه حساسی رأی آورده است.

و آمریکا هم فرادی سخنرانی ترامپ، همان
آمریکایی می‌شود که سرزمین فرصت‌هاست و
برای ثبت‌نام لاتاری‌اش دائم سایت‌ها را چک
می‌کنیم که مبادا زمان را از دست بدهیم. چرا
که نهایت غیرت و تعصب ما به ایران‌مان، همان
«لغت» فارس‌پسوند خلیج است و انگار ناهوهای
آمریکایی مستقر در خلیج را تابه‌حال ندیده بودیم!

ثوابت رفتار آمریکا و اروپا در قبال توافق هسته‌ای

صورت‌بندی معادله برجامی اخیر

برجام، بلکه بر سر کلیت پایبندی ترامپ نسبت به
توافق هسته‌ای است. به عبارت بهتر، حتی برخی
سناتورهای حزب دموکرات مانند «چاک شومر» و
«بن کاردین» نیز با اصلاح توافق هسته‌ای (بر اساس
منافع آمریکا) موافق هستند. بنابراین منازعه موجود
در ایالات متحده آمریکا بر سر برجام، منازعه بر سر
«چگونگی مواجهه با برجام» است نه منازعه بر سر
«پایبندی کامل یا عدم پایبندی به برجام»!

– تروئیکای اروپایی در اعلام مواضع خود
درباره توافق هسته‌ای، عملاً از مذاکره مجدد بر
سر مفاد جنجالی برجام استقبال کرده است.
«بوریس جانسون»، وزیر خارجه انگلیس در یکی
از تازه‌ترین مواضع خود اظهار کرده است کنگره
آمریکا «تنها» خواستار اصلاح برجام است نه
خروج از توافق هسته‌ای! از سوی دیگر، مقامات
فرانسوی نیز اعلام کرده‌اند می‌توان ایران را درباره
اعمال محدودیت‌های هسته‌ای پس از سال ۲۰۲۵
میلادی (بخوانید تغییر بند غروب آفتاب) تحت
فشار قرار دادا چندی پیش نیز «زیگمار گابریل»،
وزیر خارجه آلمان عنوان کرده بود کشورش حاضر
است با آمریکا، انگلیس و فرانسه بر سر تحت فشار
قرار دادن ایران برای عمل به تعهداتش در برجام
همراهی کند! منظور گابریل به صورت مشخص،
دست‌رسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به امکان
نظمی در ایران است.

– مقامات روس طی روزهای اخیر صریح‌ترین
مواضع را در قبال توافق هسته‌ای اتخاذ کرده‌اند.
سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه اعلام
کرده است ایالات متحده آمریکا به جای تغییر
برجام، به فکر انجام تعهدات خود در قبال توافق
هسته‌ای باشد. همچنین سرگئی لاوروف، وزیر
خارجه روسیه اعلام کرده مطابق آنچه در بند T
– ایالات متحده آمریکا درصد است به بهانه
بازتفسیر بند T ضمیمه توافق هسته‌ای، دسترسی
بازرسی آژانس به امکان نظمی ایران را تضمین
کند.

– واشنگتن درصد گنجاندن موضوع توافق
موشکی ایران در برجام (یا یک توافق جدید) و
تجدید فعالیت‌های موشکی ایران در کنار اعمال
محدودیت‌های جدید هسته‌ای برای کشورمان
است.
– یوکیو آمانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی
انرژی اتمی با طرح ابهام در خصوص مکانیسم
راستی‌آزمایی بند T برجام، عملاً به ترامپ درباره
اعمال فشار بر ایران جهت دسترسی به امکان
نظمی کشورمان چراغ سبز نشان داده است.
– جدال کنگره و کاخ سفید، نه بر سر اصلاح

تأملی در مبانی و اهداف تفکیک ترامپ از آمریکا

■ سیدياسر جبرائیلی

این پیوند، همان پیوندی است که میان پهلوی
و غرب وجود داشت. هدف این پیوند، چیزی
جز تأمین منافع ۲ طرف از طریق «تقسیم منابع
کشور» میان نظام سلطه و الیگارشی‌های لیبرال
کشور نیست. زمانی از «پل کریگ رابرتز» معاون وزیر
خزانهداری آمریکا در دوره ریگان که اینک
علیه نظام آمریکا قیام فکری کرده است، درباره
ریشه‌های پیوند اصلاح‌طلبان ایرانی با دولت آمریکا
سوال کردم. پاسخ جالبی داد: «اصلاح‌طلبان ایران،
هر عنوانی که داشته باشند، مذهبی نیستند.
اصلاح‌طلبان ایران خواهان یک جامعه سکولار
غربی هستند که در آن فقط پول اهمیت دارد.
همین امر برخی از آنان را مستعد به خدمت گرفته
شدن توسط دولت آمریکا کرده است». هر دو
طرف به ثروت و قدرت و «فغ شخصی» می‌رسند
و برد – برد اتفاق می‌افتد. رابطه پهلوی با غرب،
حتماً یک رابطه برد – برد بود اما بازنده بزرگ این
بازی ملت ایران بودند. پهلوی به قدرت بلاتنازع
قدرت در آمریکا به جای ایستادگی در مقابل او،
ایران و سهم ملت ما از این معامله، عقب‌افتادگی و
ذلت و بردگی بود.

بر همین اساس، بقا و فتنای گفت‌مان مذاکره
با آمریکا در سپهر سیاسی ایران، برای لیبرال‌های
ایرانی حکم حیات و ممات را دارد. این است که
با وجود تجربه آشکار برجام و شکل‌گیری یک
آگاهی عمومی درباره فرجام رویکرد مذاکره و
تعامل با آمریکا، همچنان در تلاشند رویکرد مذاکره
و تسلیم از اعتبار نیندند. باید دقت داشت که این
تلاش اگر دیروز در قالب «تفکیک اواما از کنگره»
انجام می‌شد، امروز در قالب «تفکیک دونالد ترامپ
از نظام آمریکا» در حال ادامه است. هدف، القای
این مسأله به افکار عمومی است که اگر می‌بینید
برجام شکست خورده است، علت را نباید در ماهیت
آمریکا جست؛ دیوانه‌های است ترامپ‌نام که تصادفاً
در آمریکا به قدرت رسیده و دیوانگی می‌کند و
هیچ‌گاه تمایلی برای پاسخ به این پرسش ندارند
که اگر ترامپ دیوانگی می‌کند، چرا دیگر نهادهای
که نمی‌توان از این راه به پیشرفت رسید. باید به
است که برای پاسخ به چرایی این رویکرد، باید به
دنیال یک مولفه در مبانی فکری لیبرال‌ها گشت
که آنها را اینگونه نسبت به تسلیم کشور در برابر
غرب حریص کرده است. معتقدم این مولفه چیزی
جز «منفعت شخصی»، یعنی عامل محرک هر
فعلی در مکتب لیبرالیسم، نیست. باید گفت یک
پیوند طبیعی میان نظام لیبرال – سرمایه‌داری و
«الیگارشی لیبرال‌های ایرانی» وجود دارد که گروه
اخیر را به پذیرش سلطه غرب تحریک می‌کند.

برجام در حالت طبیعی
و عادی، می‌توانست یک
بونه آزمون برای صاحبان، مدافعان و مروچان
یک منطق خاص باشد تا اعتبار باورهای خود را
بسنجند برجام می‌توانست حاصل منطقی باشد که
با رد تضادهای ماهوی جمهوری اسلامی و آمریکا،
استدلال می‌کرد علت تحریریه‌های اعمال شده علیه
کشورمان، نوعی سوءتفاهم و نگرانی آمریکا و شرکا
از تولید بمب اتم در ایران است و می‌توان با رفع
این نگرانی، تحریریه‌ها را نیز رفع و منافع کشور را
تأمین کرد.

بلا تردید اگر مبانی فکری امضای برجام چنین
منطقی بود، امروز مدافعان این منطق با مشاهده
بی‌فرجامی و خسارات برجام، باید در مقابل منطق
مخالف خود سر تعظیم فرود آورده و می‌پذیرفتند
هدف واقعی از اعمال تحریریه‌های گسترده علیه
ایران، نه نگرانی از برنامه هسته‌ای که ضربه‌زدن به
نظام جمهوری اسلامی – به عنوان مدافع بزرگ
کشور ایران در برابر سلطه خارجی – بوده است.
نتیجه عقلانی پذیرش این منطق دوم نیز باید این
می‌بود که صاحبان منطق نخست اگر به اشتباه
برجامی خود «اعتراف علنی» نیز نمی‌کردند،
لااقل از تکرار این رویکرد اشتباه «جنتاب عملی»
می‌کردند.

اما با تدقیق در رفتار جریان فکری حامی برجام
به وضوح می‌توان مشاهده کرد این طیف فکری،
به‌رغم اعتراف‌های تاریخی دست‌اندرکاران به
بی‌حاصلی اقتصادی برجام و فاصله معنی‌دار نتایج
آن با هدف اعلام شده «رفع تحریریه‌ها»، نه تنها
به اشتباه بودن منطق خود معترف نیستند، بلکه
همچنان همان رویکرد برجامی و مذاکره و معامله‌با
نظام سلطه را دنبال می‌کنند. امضای اسنادی چون
۲۰۳۰ یا رفتن زیر بار استانداردهای FATF یا
تلاش برای عضویت در WTO، در واقع تکرار
همان مسدل برجام است اما تعمیم مدل برجام به
حوزه‌های دیگر در عین اذعان به بی‌فرجامی و
شکست آن در یک آزمایش بزرگ و پرهزینه، در
ذات خود متناقض است. حامیان این مدل دیگر
نمی‌توانند ادعا کنند هدف‌شان تأمین منافع ملی
است، لذا اصرار بر این مدل و منطق اشتباه، باید
علت و هدف دیگری غیر از تأمین منافع ملت ایران
داشته باشد.

دقیقا نکته همین‌جاست؛ این پندار اشتباه
است که این جریان خاص که مشخصاً باید آنها
را الیگارشی – لیبرال‌هایی ایرانی خواند، در شعارها و
ادعاهای خود صادق بوده‌اند و هدف‌شان از مذاکره
و امضای برجام، رفع تحریریه‌ها بوده است. راقم این

یادداشت امروز